



The Impact of Oil Revenues on Iraq's Country Economic Growth with an Emphasis on Geopolitical Risk

Heydar Ali Abd Shamal Al-Hosani¹, Abdol Rahim Hashemi Dizaj^{2*} Mohammad Hassanzadeh³

1. MSc Student, Department of Archaeology, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

2. Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

3 Professor, Department of Economics, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

Received Date: 07 March 2025

Accepted Date: 12 May 2025

Abstract

Background and Objective: Oil revenues significantly affect fiscal policies, public spending, and budget management in Iraq. Studying these impacts helps policymakers assess the effectiveness of revenue management strategies such as oil revenue allocation, budget planning, and the establishment of stabilization funds. In addition, the impact of geopolitical risk on economic growth, which has been dominant in most oil-exporting countries, has become a necessity, and its results can have very important policy implications for policymakers and decision-makers at the macro level. Therefore, Iraq's dependence on oil revenues makes understanding the effects of oil revenues on economic growth of great importance for assessing the sustainability of the Iraqi economy. The aim of this study is to examine the impact of oil revenues on Iraq's economic growth by considering geopolitical risk. The results of the study will help identify the extent to which Iraq's economic growth is dependent on oil revenues and the possible risks associated with such dependence, along with existing risks.

Methodology: This study is of an applied type based on its objectives. Data and information in the background section were collected with a library approach, and the data and statistics required to estimate the empirical model were collected from the Central Bank of Iraq and the World Bank websites in a time series format, and the analysis of the research model was also carried out using the self-explanatory model with extended lags (ARDL). The country's macroeconomic variables in the period 1995 to 2022 are the data used in this study.

Findings and Conclusion: Based on the results of the model estimation, oil revenues have a positive and significant effect on economic growth in the short and long term, and the effect of geopolitical risk and the interactive effect of geopolitical risk on oil revenues are negative and significant in the long term on economic growth. The results also show a positive and significant impact of foreign direct investment on economic growth. Oil revenues as a major source of income can lead to an increase in the government budget, domestic and foreign investment in infrastructure, improvement of public services and creation of job opportunities in various economic sectors. However, political tensions and instability and geopolitical risk can reduce investment, reduce production and consequently reduce economic growth. Therefore, the government should adopt policies that reduce negative factors and increase factors that enhance economic growth.

Keywords: Oil revenues, economic growth, geopolitical risk, Iraq's Country.

* Corresponding Author Email: a.hashemi@uma.ac.ir

Cite this article: Abd Shamal Al-Hosani, H. A. , Hashemi dizaj, A. and Hassanzadeh, M. (2026). The Impact of Oil Revenues on Iraq's Country Economic Growth with an Emphasis on Geopolitical Risk. *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 7(1), 162-177.



شاپا: ۰۷۶۴-۲۷۸۳

دوره ۷، شماره ۱، شماره پیاپی ۲۳، بهار ۱۴۰۵

Journal Homepage <https://www.srds.ir/>
<https://www.srds.ir/article/220707.html?lang=fa>

تأثیر درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی کشور عراق با تأکید بر ریسک ژئوپلیتیک

حیدر عبدعلی شمال الحسنی^۱، عبدالرحیم هاشمی دیزج^{۲*} محمد حسن زاده^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

۲. دانشیار، گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

۳. استاد، گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۲

چکیده

مقدمه و هدف: درآمدهای نفتی به طور قابل توجهی بر سیاست‌های مالی، مخارج عمومی و مدیریت بودجه عراق تأثیر می‌گذارد. مطالعه این اثرات به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا اثربخشی استراتژی‌های مدیریت درآمد مانند تخصیص درآمدهای نفتی، برنامه‌ریزی بودجه و ایجاد صندوق‌های تثبیت را ارزیابی کنند. علاوه بر این، تأثیر ریسک ژئوپلیتیک بر رشد اقتصادی که در عمده کشورهای صادرکننده نفت حضور مسلط داشته است، به یک ضرورت تبدیل شده است و نتایج آن می‌تواند حاوی دلالت‌های سیاست‌گذاری بسیار مهمی برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان در سطوح کلان باشد. از این رو، وابستگی عراق به درآمدهای نفتی، موجب شده تا درک اثرات درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی برای ارزیابی پایداری اقتصاد عراق از اهمیت بسزایی برخوردار باشد. هدف این مطالعه بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی عراق با در نظر گرفتن ریسک ژئوپلیتیک، می‌باشد. بطوری که نتایج مطالعه به شناسایی میزان وابسته بودن رشد اقتصادی عراق به درآمدهای نفتی و خطرات احتمالی مرتبط با چنین وابستگی همراه با ریسک‌های موجود کمک خواهد کرد.

روش‌شناسی: این مطالعه بر اساس اهداف خود، از نوع کاربردی است. داده‌ها و اطلاعات در بخش پیشینه با رویکرد کتابخانه‌ای و داده‌ها و آمارهای مورد نیاز برای برآورد الگوی تجربی، از سایت بانک مرکزی عراق و بانک جهانی به صورت سری زمانی جمع‌آوری شده و تجزیه و تحلیل الگوی پژوهش نیز با استفاده از الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) انجام شده است. متغیرهای کلان اقتصادی کشور در دوره زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۲ داده‌هایی است که در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفته است.

یافته‌ها و نتایج: بر اساس نتایج تخمین مدل، درآمدهای نفتی در کوتاه‌مدت و بلندمدت تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد و اثر ریسک ژئوپلیتیک و اثر تعاملی ریسک ژئوپلیتیک در درآمدهای نفتی، در بلندمدت منفی و معنی‌داری در رشد اقتصادی می‌باشد. همچنین نتایج نشان از تأثیر مثبت و معنی‌دار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در رشد اقتصادی دارد.

درآمدهای نفتی به عنوان یک منبع درآمدی اصلی می‌تواند منجر به افزایش بودجه دولتی، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در زیرساخت‌ها، بهبود خدمات عمومی و ایجاد فرصت شغلی در بخش‌های مختلف اقتصادی شود. با این وجود تنش‌ها و ناپایداری سیاسی و ریسک ژئوپلیتیک می‌تواند باعث کاهش سرمایه‌گذاری، کاهش تولید و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی گردد. لذا حاکمیت باید سیاست‌های را اتخاذ نماید که باعث کاهش عوامل منفی و افزایش عوامل تقویتی رشد اقتصادی گردد.

کلیدواژه‌ها: درآمد نفتی، رشد اقتصادی، ریسک ژئوپلیتیک، کشور عراق.

*۲ نویسنده مسئول : a.hahsemi@uma.ac.ir

ارجاع به این مقاله: علی عبد شمال، حیدر، هاشمی دیزج، عبدالرحیم و حسن زاده، محمد. (۱۴۰۵). ۱۱. تأثیر درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی کشور عراق با تأکید بر ریسک ژئوپلیتیک. فصلنامه مطالعات توسعه‌یابار شهری و منطقه‌ای، ۷(۱)، ۱۶۲-۱۷۷.

مقدمه و بیان مسأله

نفت یکی از مرتبط‌ترین منابع انرژی برای هر کشور بر اساس آژانس بین‌المللی انرژی^۱ (IEA) می‌باشد و اقتصاد بسیاری از کشورها مبتنی بر تولید نفت و تجارت آن است. قیمت نفت یکی از عوامل کلیدی تعیین‌کننده بودجه یک کشور از نظر درآمدهای آن می‌باشد (Manuel et al., 2023) که از طریق تأثیر بر نرخ رشد اقتصادی، اقتصاد جهانی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (Caldara and Iquillo, 2022). قیمت نفت خام به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر تمام جنبه‌های اقتصاد تأثیر می‌گذارد و شوک‌های بازار انرژی می‌تواند اقتصاد و سیستم مالی را مختل کند (Yudin et al., 2021). رابطه بین قیمت نفت خام و متغیرهای کلان اقتصادی تحت تأثیر عواملی مانند عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی جهانی^۲ (GEPU)، ریسک ژئوپلیتیکی^۳ (GPR)، اثر همه‌گیری جهانی^۴ (WUPI) و قیمت جهانی شاخص انرژی^۵ (GPE) قرار دارد. ریسک ژئوپلیتیک به مفهوم اثرات عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و جغرافیایی بر ارتباطات بین‌المللی، استراتژی‌های کسب و کار و روند رشد اقتصادی است. این ریسک‌ها ممکن است به دلیل تغییرات سیاسی، تحریم‌ها، منازعات و جنگ‌ها، نابرابری‌های اقتصادی، تغییرات قواعد و مقررات، تهدیدات تروریستی، امنیتی و بسیاری عوامل دیگر باشند که می‌توانند به شکلی مستقیم به روند تولید ناخالص داخلی و بازارها اثرگذار باشند (Lu et al., 2020). علاوه بر این، ریسک‌های ژئوپلیتیک می‌توانند اثراتی غیرمستقیم بر رشد اقتصادی کشورها داشته باشند. به عنوان مثال تهدیدات امنیتی و تروریستی می‌توانند سبب افزایش مخارج دفاعی و کاهش سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیرساختی اقتصاد شوند. این موضوع تأثیر منفی بر رشد اقتصادی کشورها در بلندمدت نیز خواهد داشت. همچنین، نابرابری‌های اقتصادی و تحریم‌ها می‌توانند باعث افزایش بی‌ثباتی اقتصادی در کشورها شده و اثرات گسترده منفی بر رشد اقتصادی داشته باشند (Demir et al., 2019). این در حالی است که عدم قطعیت‌هایی مانند عرضه و تقاضا، رویدادهای ژئوپلیتیکی و شرایط اقتصادی بر بازده نفت خام^۶ (ROC) از منظر سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارد (Lee et al., 2020).

از این رو، مطالعه و بررسی تأثیر ریسک ژئوپلیتیک و درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی بسیار اهمیت دارد. عراق از جمله کشورهایی است که بیشترین وابستگی را به درآمدهای نفتی دارد. حدود ۹۰ درصد از درآمدهای صادراتی عراق از صادرات نفت به دست می‌آید. این وابستگی زیاد به نفت باعث می‌شود که اقتصاد عراق به قیمت نفت و تغییراتی که در بازار جهانی رخ می‌دهد بسیار حساس باشد. قیمت نفت یکی از فاکتورهای اصلی و مهم در تعیین تقاضا و عرضه برای اقتصاد عراق است (World Bank, 2023). کاهش قیمت نفت یا کاهش تقاضا برای نفت می‌تواند به شدت روی رشد اقتصادی عراق تأثیر بگذارد و سبب کاهش درآمدهای دولتی و تنش‌های اقتصادی شود. عراق به دلیل موقعیت جغرافیایی و منابع غنی نفتی خود، در معرض ریسک‌های ژئوپلیتیکی قرار دارد. تنش‌های سیاسی داخلی، تداخلات خارجی، تهدیدهای امنیتی و ناپایداری‌های منطقه‌ای می‌توانند اثرات قابل توجهی بر روند تولید نفت و صادرات عراق داشته باشند. علاوه بر این، روابط بین‌المللی و تحریم‌های احتمالی نیز می‌تواند به نقض قراردادهای نفتی و تحریم صادرات نفت عراق منجر شوند. وابستگی زیاد به درآمدهای نفتی می‌تواند برای اقتصاد بسیار پر ریسک باشد. برای مقابله با این ریسک، کشورها نیازمند تنوع در منابع درآمدی هستند (Caldara and Iquillo, 2022). به طور خلاصه، تأثیر درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی بسیار قابل توجه است و وابستگی زیاد به نفت، اهمیت بررسی ریسک ژئوپلیتیک را در هر کشور صادرکننده نفت بیشتر می‌کند (Suydan and Elbargathi, 2022). برای کاهش این وابستگی و مقابله با ریسک‌های ژئوپلیتیکی، کشورها تلاش می‌کنند تا منابع درآمدی خود را تنوع ببخشند و به رشد بخش‌های دیگر اقتصادی نیز توجه نمایند. این موضوع ریسک کشورها در شرایط نوسانات در قیمت نفت را کاهش داده و ثبات بیشتری به اقتصاد می‌بخشد (Suydan and Elbargathi, 2022). این در حالی است که اثرات درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی کشورهای دارای منابع نفتی موضوعی پیچیده و چند وجهی است که ماهیت آن هنوز

1 International Energy Agency

2 Global Economic Policy Uncertainty

3 Geopolitical Risk

4 Global Pandemic Effect

5 Global Price of Energy Index

6 Return in Crude Oil

به طور کامل مشخص نشده است. این اثرات می‌توانند هم مثبت و هم منفی باشند و به عوامل مختلفی مانند مدیریت منابع، ساختار اقتصاد، کیفیت نهادهای، و سیاست‌های اقتصادی وابسته هستند. در کشور عراق بر اساس مطالعه *Badib and colleagues (2021)*، شوک‌های نفتی تأثیری منفی و معنادار بر رشد اقتصادی داشته‌اند. نتایج مطالعه رشید (۲۰۲۳) نیز بیانگر آن است که رانت نفت منجر به ناکارآمدی شده و کارایی را کاهش می‌دهد. با این وجود، با توجه به ریسک‌های بزرگی که عراق در طی سال‌های مختلف با آن روبرو بوده است، بررسی اثرات ریسک ژئوپلیتیک بر رشد اقتصادی در کنار درآمدهای نفتی، مورد غفلت واقع شده است. بنابراین، این مطالعه تأثیر درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی عراق را طی دوره زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۲ با الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده^۲ (ARDL)، با توجه به نقش ریسک ژئوپلیتیک مورد بررسی قرار داده است.

مبانی نظری

درآمدهای نفتی و رشد اقتصادی

درآمدهای نفتی، به‌ویژه برای کشورهایی که تولیدکنندگان بزرگ نفت هستند، می‌تواند تأثیرات مثبتی بر رشد اقتصادی داشته باشد. به عنوان نمونه، درآمد حاصل از صادرات نفت امکان افزایش هزینه‌های عمومی را برای توسعه زیرساخت‌ها، آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، برنامه‌های رفاه اجتماعی و سایر خدمات ضروری فراهم می‌کند که این افزایش، فعالیت‌های اقتصادی را تحریک کرده و از رشد کلی اقتصادی حمایت می‌کند (Abdul Salam, 2020). درآمدهای نفتی می‌تواند سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساخت‌ها مانند جاده‌ها، پل‌ها، بنادر، فرودگاه‌ها و تأسیسات انرژی را تسهیل کند. این سرمایه‌گذاری‌ها نه تنها فرصت‌های شغلی فوری ایجاد می‌کند، بلکه شبکه‌های حمل و نقل را بهبود می‌بخشد، اتصال را تقویت می‌کند و با جذب سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در سایر بخش‌ها، رشد اقتصادی را تقویت می‌کند (Al-Nil and Al-Moulhim, 2022). صادرات نفت درآمدهای ارزی قابل توجهی را برای کشورهای صادرکننده نفت ایجاد کرده و می‌تواند به حفظ تراز تجاری مثبت و تقویت پول یک کشور کمک کند. این موضوع، ثبات اقتصاد را فراهم کرده، از ظرفیت واردات حمایت می‌کند و تجارت بین المللی را تسهیل می‌کند (Ahmed, 2017).

فرصت‌های شغلی مستقیم و غیرمستقیم ایجاد شده توسط صنعت نفت و صنایع مرتبط نیز می‌تواند به کاهش نرخ بیکاری، افزایش درآمد خانوارها و بهبود استانداردهای زندگی کمک کند. همچنین، صنعت نفت اغلب شامل فناوری‌ها و تخصص‌های پیشرفته می‌باشد که موجب ارتقای نوآوری، بهبود بهره‌وری و افزایش رقابت کلی شده و از طریق تنوع اقتصادی به رشد اقتصادی پایدار فراتر از بخش نفت کمک می‌کند (Akinsola and Odhiambo, 2020). نکته قابل توجه در این حوزه این است که کشورهای با درآمدهای نفتی بالا می‌توانند از افزایش ثبات مالی و انعطاف پذیری اقتصادی بهره مند شوند. درآمدهای نفتی می‌تواند حائلی در برابر شوک‌های اقتصادی ایجاد کند و منابعی را برای دولت‌ها برای مدیریت رکود اقتصادی یا بحران‌های خارجی فراهم کند. این ثبات و انعطاف‌پذیری اعتماد سرمایه‌گذاران را تقویت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را جذب می‌کند و رشد اقتصادی پایدار را ارتقا دهد. علاوه بر این، کشورهایی که بیش از حد به درآمدهای نفتی متکی هستند، با چالش‌هایی مانند نوسانات قیمت، نگرانی‌های زیست محیطی و خطر "نفرین منابع" مواجه می‌شوند که می‌تواند مانع رشد پایدار بلندمدت شود (Yudin et al., 2021). از سوی دیگر، درآمدهای نفتی می‌تواند به عنوان یک کاتالیزور برای رشد صادراتی عمل کند. درآمد حاصل از صادرات نفت را می‌توان در سایر بخش‌های اقتصاد، مانند تولید یا کشاورزی، ترویج تنوع و تسهیل رشد اقتصادی فراتر از بخش نفت، مجدداً سرمایه‌گذاری کرد (Avartani et al., 2020).

در حالی که درآمدهای نفتی می‌تواند منافع اقتصادی به همراه داشته باشد، اثرات منفی نیز دارد که می‌تواند مانع رشد اقتصادی بلندمدت شود. به عنوان نمونه، اتکای شدید به درآمدهای نفتی می‌تواند منجر به پدیده ای شود که به عنوان «وابستگی به منابع» شناخته می‌شود. وقتی بخش قابل توجهی از درآمد یک کشور از صادرات نفت باشد، اقتصاد در برابر نوسانات قیمت نفت آسیب‌پذیر می‌شود. نوسانات قیمت نفت بودجه‌ای دولت را بی‌ثبات کرده، برنامه‌ریزی بلندمدت را مختل

¹ Rasheed

² Autoregressive Distributed Lags

می‌کند و نااطمینانی اقتصادی ایجاد شده در اثر آن، می‌تواند بر سرمایه‌گذاری، رشد تجارت و ثبات کلی اقتصادی تأثیر منفی بگذارد (Bibi et al., 2021). درآمدهای نفتی می‌تواند اقتصاد رانتهی ایجاد کند که در آن دولت به شدت به درآمد نفت وابسته است و منابع را بدون نیاز به فعالیت‌های تولیدی توزیع می‌کند. اقتصادهای رانتهی می‌توانند کارآفرینی و نوآوری را خفه کنند و مانع رشد کلی اقتصادی شوند (Bilidrichi et al., 2020). اتکای بیش از حد به درآمدهای نفتی تلاش برای تنوع بخشیدن به اقتصاد را منصرف می‌کند. وقتی بخش قابل توجهی از درآمد دولت از نفت حاصل می‌شود، ممکن است انگیزه کمتری برای سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌ها یا دنبال کردن استراتژی‌های تنوع اقتصادی وجود داشته باشد. این عدم تنوع اقتصاد را در برابر نوسانات قیمت نفت آسیب پذیرتر کرده، فرصت‌های شغلی را محدود می‌کند و مانع توسعه صنایع پایدار و غیرنفتی می‌شود.

استخراج و تولید نفت اثرات زیست محیطی قابل توجهی نیز دارد. فعالیت‌هایی مانند نشت نفت، جنگل زدایی، تخریب زیستگاه‌ها و انتشار گازهای گلخانه‌ای به اکوسیستم‌ها و تنوع زیستی آسیب می‌رساند. علاوه بر این، گذار به اقتصاد کم کربن ممکن است در درازمدت برای کشورهای وابسته به نفت چالش‌هایی ایجاد کند (Buri et al., 2021). این در حالی است که مدیریت درآمدهای نفتی می‌تواند چالش‌های حاکمیتی ایجاد کند و خطر فساد را افزایش دهد. مبالغ هنگفتی که در صنعت نفت دخیل است می‌تواند فرصت‌هایی را برای اختلاس، رشوه و اختلاس ایجاد کند. بنابراین، اثرات منفی درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی بسته به عواملی مانند شیوه‌های حکمرانی، سیاست‌های اقتصادی، درجه تنوع اقتصادی و مدیریت ثروت نفتی می‌تواند متفاوت باشد. کشورهایی که به طور موثر درآمدهای نفتی خود را مدیریت می‌کنند، شانس بیشتری برای کاهش این اثرات منفی و دستیابی به رشد اقتصادی پایدار دارند (Das, 2021).

ریسک ژئوپلیتیکی و رشد اقتصادی

ریسک ژئوپلیتیکی به تأثیر بالقوه عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر ثبات و امنیت یک منطقه یا کشور اشاره دارد. طیف وسیعی از خطرات ناشی از تعاملات بین کشورها، دولت‌ها و سایر بازیگران ژئوپلیتیک را در بر می‌گیرد. ریسک ژئوپلیتیک پیامدهای مهمی برای جنبه‌های مختلف از جمله رشد اقتصادی، تجارت، سرمایه‌گذاری و امنیت دارد. بی‌ثباتی سیاسی، مانند تغییر دولت، ناآرامی‌های مدنی، یا تغییر رژیم، درگیری‌های مسلحانه، اعم از داخلی و خارجی، اختلافات تجاری و حمایت‌گرایی، اعمال تحریم‌ها یا محدودیت‌ها توسط یک کشور علیه کشور دیگر، رقابت بر سر منابع طبیعی مانند نفت، گاز، مواد معدنی و آب و تروریسم و تهدیدات امنیتی برخی از نمونه‌های رایج از خطرات ژئوپلیتیکی هستند. تغییر در موازنه قوا در بین کشورها یا تغییر در پویایی‌های منطقه‌ای نیز می‌تواند خطرات ژئوپلیتیکی ایجاد کند.

درک و مدیریت ریسک‌های ژئوپلیتیکی برای دولت‌ها، مشاغل، سرمایه‌گذاران و سازمان‌های بین‌المللی ضروری می‌باشد. این شامل تجزیه و تحلیل مناظر سیاسی، ارزیابی خطرات بالقوه و تأثیر آنها، توسعه برنامه‌های احتمالی، و مشارکت در دیپلماسی و همکاری برای کاهش خطرات و ارتقای ثبات می‌باشد (Caldara and Iquillo, 2022). خطرات ژئوپلیتیکی می‌تواند منجر به فرار سرمایه، کاهش ارزش پول و رکود اقتصادی شود. درگیری‌ها، بی‌ثباتی سیاسی و مهاجرت‌های دسته‌جمعی می‌تواند منجر به رنج‌های انسانی قابل توجه، آوارگی و بحران‌های پناهندگی شود. پرداختن به خطرات ژئوپلیتیکی مستلزم در نظر گرفتن جنبه‌های اجتماعی و انسانی گسترده‌تر، از جمله تضمین ایمنی و رفاه جمعیت‌های آسیب دیده است. (Lu et al., 2020).

ریسک ژئوپلیتیکی می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر رابطه بین درآمدهای نفتی و رشد اقتصادی داشته باشد. بسیاری از کشورهای صادرکننده نفت به شدت به درآمدهای نفتی به عنوان منبع درآمد قابل توجه و درآمد دولت متکی هستند. خطرات ژئوپلیتیکی مانند درگیری‌ها، بی‌ثباتی سیاسی یا تنش‌های دیپلماتیک می‌تواند تولید و قابلیت‌های صادرات نفت را مختل کنند و منجر به کاهش درآمدهای نفتی شوند. این وابستگی باعث ایجاد آسیب پذیری در برابر رویدادهای ژئوپلیتیکی می‌شود که می‌تواند مستقیماً بر رشد اقتصادی تأثیر بگذارد. خطرات ژئوپلیتیکی می‌تواند به نوسان قیمت نفت کمک کند. رویدادهای ژئوپلیتیکی، مانند درگیری‌ها در مناطق عمده تولیدکننده نفت یا تنش‌های سیاسی میان کشورهای صادرکننده نفت، می‌تواند عرضه نفت را مختل کند و منجر به افزایش یا نوسان قیمت‌ها شود. تغییرات شدید قیمت نفت می‌تواند پیامدهای مهمی بر

بودجه، سرمایه‌گذاری و ثبات اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت داشته باشد و در نتیجه بر رشد اقتصادی کلی تأثیر بگذارد. خطرات ژئوپلیتیک مربوط به نفت می‌تواند ثبات مالی و برنامه‌ریزی اقتصادی را تضعیف کند. کشورهای صادرکننده نفت اغلب از درآمدهای نفتی برای تأمین هزینه‌های دولت، خدمات عمومی و پروژه‌های زیربنایی استفاده می‌کنند. با این حال، خطرات ژئوپلیتیک می‌تواند منجر به کمبود درآمد، کسری بودجه و عدم اطمینان مالی شود. این می‌تواند توانایی دولت را برای اجرای برنامه‌های بلندمدت اقتصادی، سرمایه‌گذاری در تلاش‌های متنوع‌سازی و ترویج رشد پایدار محدود کند. (Rose, 2020; Asimoglu et al., 2021)

ریسک‌های ژئوپلیتیک در مناطق نفت خیز می‌تواند مانع از سرمایه‌گذاری خارجی و مانع تلاش‌های متنوع‌سازی اقتصادی شود. بی‌ثباتی یا درگیری‌های سیاسی می‌تواند فضای سرمایه‌گذاری نامطلوبی را ایجاد کند و سرمایه‌گذاران بین‌المللی را برای سرمایه‌گذاری به کشور مردد کند. علاوه بر این، اتکای شدید به درآمدهای نفتی می‌تواند تلاش‌ها برای تنوع بخشیدن به اقتصاد به بخش‌های دیگر را کاهش دهد و فرصت‌های بالقوه رشد را محدود کند. ریسک‌های ژئوپلیتیک مرتبط با درآمدهای نفتی می‌تواند به عدم تعادل اقتصاد کلان کمک کند. کاهش ناگهانی درآمدهای نفتی می‌تواند منجر به کسری بودجه، کاهش ارزش پول، فشارهای تورمی و کاهش هزینه‌های دولت شود. (Carney et al., 2020) این عدم تعادل بر ثبات اقتصادی، اعتماد سرمایه‌گذاران و رشد کلی اقتصادی تأثیر منفی می‌گذارد. خطرات ژئوپلیتیک مرتبط با درآمدهای نفتی نیز می‌تواند پیامدهای اجتماعی و سیاسی داشته باشد. سوء مدیریت درآمدهای نفتی یا رکود اقتصادی ناشی از رویدادهای ژئوپلیتیک منجر به ناآرامی اجتماعی، بی‌ثباتی سیاسی و افزایش نابرابری درآمدی می‌شود. این عوامل با تضعیف انسجام اجتماعی، اعتماد سرمایه‌گذاران و محیط کسب و کار مانع رشد اقتصادی می‌شوند. ریسک‌های ژئوپلیتیک مرتبط با درآمدهای نفتی نیازمند پاسخ‌های سیاستی و استراتژی‌های موثر برای افزایش تاب‌آوری اقتصادی می‌باشد. این موضوع می‌تواند شامل اجرای اصلاحات اقتصادی، ترویج رشد بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و بهبود حکومت و نهادها باشد. (Saliso et al., 2022).

خطرات ژئوپلیتیک در مناطق نفت خیز می‌تواند بر امنیت انرژی منطقه و جهان تأثیر بگذارد. درگیری‌ها یا اختلالات در مناطق عمده تولید کننده نفت می‌تواند منجر به اختلال در عرضه شود و نه تنها کشورهای درگیر مستقیم بلکه سایر کشورهای وابسته به واردات نفت را نیز تحت تأثیر قرار دهد. نگرانی‌های امنیت انرژی می‌تواند پیامدهای ژئوپلیتیک گسترده‌تری داشته باشد که به طور بالقوه منجر به تغییر در اتحادها، تغییر در سیاست‌های انرژی و پیامدهای اقتصادی جهانی می‌شود. ریسک‌های ژئوپلیتیک مرتبط با درآمدهای نفتی را می‌توان با پویایی‌های ژئوپلیتیک گسترده‌تر مرتبط دانست. رقابت‌های منطقه‌ای، درگیری‌ها یا تنش‌های دیپلماتیک می‌تواند بر بازارهای نفت و رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت تأثیر بگذارد (Omdro, 2019). توجه به این نکته مهم است که میزان اتکای یک کشور به درآمدهای نفتی، چارچوب حاکمیتی و انعطاف‌پذیری آن در برابر ریسک‌های ژئوپلیتیک، میزان تأثیرات آن بر رشد اقتصادی را تعیین می‌کند. (Badib et al., 2021).

پیشینه پژوهش

(Esadi Mehmandosti et al. 2019) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر گذاری انواع تخصیص درآمد منابع تجدیدناپذیر نفت بر رشد اقتصادی ایران طی دوره زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۶ با رویکرد تعادل عمومی پرداختند. یافته‌های این مطالعه نشان که رشد تکنولوژی نمی‌تواند سبب ارتقای رشد اقتصادی شود. (Walih and colleagues 1401) در مطالعه‌ای به بررسی وابستگی به نفت، کیفیت نهادی و رشد اقتصادی با رویکرد خودرگرسیون برداری پانلی (Panel VAR) در ۱۴ کشور توسعه یافته و ۱۰ کشور در حال توسعه طی دوره زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۹ پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که شوک‌های شاخص کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه در دوره‌های نخست منفی و در ادامه مثبت شده می‌باشد همچنین این شوک‌ها در کشورهای توسعه یافته در مجموع، طی دوره مثبت بوده است. (Fathi and colleagues 1402) در مطالعه‌ای به بررسی اثرات نامتقارن شوک‌های قیمت نفت و تلاطم باز بودن تجاری بر رشد اقتصادی و نرخ تورم در

کشورهای منتخب عضو کنفرانس اسلامی طی دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۸ با رویکرد پانل دیتا پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که واکنش رشد اقتصادی و تورم نسبت به شوک‌های وارده قیمت نفت در هر دو نمونه کشورهای صادرکننده و واردکننده نفت نامتقارن بوده است. (مولایی و همکاران، ۱۴۰۲) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین درآمدهای نفتی و رشد اقتصادی با تأکید بر بازارهای مالی داخلی با رویکرد پانل VAR طی دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که تولید ناخالص داخلی با ۱ و ۲ وقفه، درآمدهای نفتی با ۱، ۳ و ۴ وقفه بر تولید ناخالص داخلی تأثیر معناداری داشته می‌باشد. براساس سایر نتایج این مطالعه تأثیر درآمدهای نفتی بر تولید ناخالص داخلی در دوره مورد بررسی، مثبت و معنادار بوده می‌باشد.

(Al-Mowali and Chimori 2010) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر شوک‌های نفتی بر تولید ناخالص داخلی قطر طی دوره زمانی ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۷ با رویکرد ARDL پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که در کوتاه‌مدت و بلندمدت، درآمدهای نفتی تأثیری مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی قطر داشته است. (Barbie et al. ۲۰۱۵)^۱ در مطالعه‌ای به بررسی اثرات آستانه درآمدهای نفتی و کیفیت نهادی بر رشد تولید ناخالص داخلی در ۲۳ کشور نفت خیز جهان طی دوره زمانی ۲۰۰۹-۱۹۹۶ با رویکرد رگرسیون انتقال ملایم پانلی پرداختند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که در صورت بهبود کیفیت نهادها در اقتصاد، اثرات صادرات نفت بر رشد اقتصادی نیز در طی زمان بهبود خواهد یافت. (Owalyeongbo ۲۰۱۹)^۲ در مطالعه‌ای به بررسی اثرات درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی در کشور نیجریه طی دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۶ با تأکید بر پدیده نفرین منابع طبیعی پرداخت. نتایج این مطالعه که از رویکرد ARDL استفاده نموده است، نشان داد که علی‌رغم درآمدهای نفتی عظیم نیجریه، تأثیر آن بر رشد اقتصادی بسیار کم و در عین حال آهسته بوده است. (Omodero ۲۰۱۹)^۳ در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر بخش نفت، کشاورزی و درآمدهای مالیاتی بر رشد اقتصادی نیجریه طی دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷ با رویکرد ARDL پرداخت. بر اساس نتایج، درآمدهای نفتی، تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی نیجریه داشته‌اند. (Al-Nil and Al-Moulahim ۲۰۲۲)^۴ در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر شوک‌های قیمت نفت بر رشد اقتصادی کشور عربستان طی دوره زمانی ۱۹۶۹ تا ۲۰۱۹ با رویکرد ARDL پرداختند. نتایج این مطالعه نیز بیانگر تأثیر مثبت و معنادار و قابل توجه درآمدهای نفتی هم در دوره کوتاه مدت و هم در بلندمدت بر رشد اقتصادی عربستان است.

در کشور عراق (Badib and colleagues, ۲۰۲۱)^۵ در مطالعه‌ای دیگر، اثرات نامتقارن شوک‌های رانت نفتی بر رشد اقتصادی این کشور را با روش ARDL غیرخطی (NARDL) طی دوره زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸ بررسی نمودند. نتایج این مطالعه حاکی از تأثیر منفی و معنادار شوک‌های رانت نفتی بر رشد اقتصادی تمامی بخش‌های اقتصادی و مؤید بیماری هلندی است (Rashid ۲۰۲۳)^۶ در مطالعه‌ای دیگر در این حوزه، به بررسی تأثیر نوسانات قیمت نفت بر رشد و ثبات اقتصادی در عراق از طریق هزینه‌های عمومی برای دوره (۲۰۰۳-۲۰۲۰) پرداخته است. این مطالعه به دنبال ارائه بینشی در مورد اثرات اقتصادی تسلط بر منابع نفت و ردیابی روندهای نفت، هزینه‌های عمومی، رشد اقتصادی و توسعه در عراق است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که رانت نفت منجر به ناکارآمدی، افزایش تمرکز قدرت و الگوهای مخارج عمومی می‌شود که کارایی را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، مدیریت موثر درآمدهای نفتی و مخارج عمومی برای رشد اقتصادی پایدار در این کشورها ضروری است. پیامدهای اجتماعی مربوط به تأثیر درآمدهای نفتی بر جامعه، نیاز به بهبود استانداردهای زندگی و کاهش فقر را برجسته می‌کند. سایر مطالعات انجام شده در عراق در این حوزه بر اساس اطلاعات محقق به بررسی ارتباط بین قیمت نفت و یکی از شاخص‌های مرتبط با رشد اقتصادی پرداخته است. به عنوان نمونه، Assad (۲۰۲۱)^۷ در مطالعه‌ای به بررسی قیمت نفت، طلا، نرخ ارز و بازار سهام در عراق قبل از شیوع COVID19 پرداخته و بدین منظور از روش‌های اقتصادسنجی و

¹ Belarbi et al

² Olayungbo

³ Omodero

⁴ Elneel and AlMulhim

⁵ Badeeb et al

⁶ Rasheed

⁷ Asaad

داده‌های بورس اوراق بهادار عراق برای شناسایی این تعاملات استفاده نموده است. نتایج حاصل از آزمون علیت گرنجر نتایج متفاوتی را بین متغیرها نشان می‌دهد. به طوریکه که بیانگر عدم وجود هم‌انباشتگی بین متغیرها به ترتیب برای (نمونه کامل قبل از دوره و قبل از COVID19) است، در حالی که در مورد رابطه بلندمدت بین متغیرها برای دوره (در طول کووید ۱۹) نمی‌توان نتیجه قطعی بیان کرد. همچنین، مدل علی کوتاه‌مدت نشان می‌دهد که تأثیر قیمت نفت، قیمت طلا و نرخ ارز با بورس عراق ناچیز است. Mahmoud^۱ (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای با عنوان اندازه‌گیری تأثیر نوسانات قیمت نفت خام بر مخارج عمومی در عراق که در دوره (۱۹۷۰-۲۰۲۱) انجام شده، از مدل (NARDL) استفاده نموده است. این مطالعه با تأیید وجود یک رابطه تعادل مثبت غیرخطی بلندمدت بین قیمت نفت خام و مخارج عمومی در عراق نشان داده است که تأثیر مثبت و اخلاقی بین تغییرات مثبت و منفی در قیمت نفت بر مخارج عمومی وجود دارد. همچنین مشخص شد که بین شوک‌های مثبت و منفی قیمت نفت خام بر مخارج عمومی در بلندمدت عدم تقارن وجود دارد. (Al Khazaleh and colleagues^۲ (۲۰۲۴)) در مطالعه‌ی خود به بررسی تأثیر نوسانات قیمت جهانی نفت بر ذخایر خارجی با استفاده از رویکرد ARDL، پرداخته‌اند. در این مطالعه که دوره زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۲۲ را در بر گرفته است، امکان ارزیابی اثربخشی سیاست پولی را در تنظیم اشکال مختلف حجم ذخیره ارزی نشان داده شده و بیانگر این است که کاهش قیمت جهانی نفت منجر به کاهش درآمد می‌شود.

روش پژوهش

روش پژوهش در این مطالعه بر طبق اهداف پژوهش، کاربردی است؛ در این مطالعه جهت گردآوری داده‌ها و اطلاعات در ابتدا با رویکرد کتابخانه‌ای و با استفاده از کتب، مقالات، مجلات، اسناد بالادستی و مراجع معتبر به نگارش ادبیات موضوعی و پیشینه پژوهش اقدام نموده و در گام بعدی داده‌ها و آمارهای مورد نیاز برای برآورد الگوی تجربی، از سایت بانک مرکزی عراق و بانک جهانی به صورت سری زمانی استفاده شده است. تجزیه و تحلیل الگوی پژوهش با استفاده از الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) انجام شده است. متغیرهای کلان اقتصادی کشور عراق از قبیل تولید ناخالص داخلی، درآمدهای نفتی، مخارج نهایی مصرفی دولت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و در دوره زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۲ داده‌هایی است که در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفته است. مدل مورد بررسی در این پژوهش به صورت معادله (۱) است:

$$GDP_t = \beta_0 + \beta_1 OilR_t + \beta_2 RiskP_t + \beta_3 TR_t + \beta_4 Form_t + \beta_5 FIN_t + \beta_6 GE_t + \beta_7 FDI_t + \beta_8 RISKoil_t + \varepsilon_t \quad (1)$$

در رگرسیون فوق؛ GDP تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت ۲۰۱۵؛ OilR درآمدهای نفتی؛ TR، تجارت خارجی به صورت درصدی از GDP؛ Form، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی، Fin شاخص توسعه مالی (اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی تقسیم بر GDP)؛ GE مخارج مصرفی نهایی دولت به صورت درصد از GDP، FDI، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، RiskR، ریسک ژئوپلیتیک؛ همچنین RiskOil نیز متغیر تعاملی حاصل ضرب ریسک ژئوپلیتیک در درآمدهای نفتی است که برای بررسی تأثیر ریسک ژئوپلیتیک بر تأثیر درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی و نقش تعدیل کننده آن وارد مدل شده است.

^۱ Mahmood, Sawsan, 2022

^۲ Al-Khazaleh et al., 2024

روش خود توضیح برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL)

رویکردهایی از قبیل انگل و گرنجر به خاطر اینکه واکنش‌های کوتاه‌مدت بین متغیرها را در نظر نمی‌گیرند اعتبار مورد نیاز را نخواهند داشت. از این رو، مدل‌هایی که پویایی کوتاه‌مدت را در خود داشته باشند و سبب تخمین ضرایب دقیق‌تر از مدل شوند، مورد توجه قرار گرفته‌اند. شکل کلی مدل پویا، مدلی است که در آن وقفه‌های متغیرها، مانند معادله زیر وارد شود:

$$Y_t = \alpha X_t + \beta X_{t-1} + \delta Y_{t-1} + u_t \quad (2)$$

جهت کاهش تورش مرتبط با تخمین ضرایب مدل در نمونه‌های کوچک مناسب است تا حد ممکن از مدلی استفاده شود که تعداد وقفه‌های زیادی را برای متغیرها، در نظر گرفته باشد.

$$\phi(L, P)Y_t = \sum_{i=1}^k b_i(L, q_i)X_{it} + c'w_t + u_t \quad (3)$$

مدل بالا یک مدل خودتوضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) است که در آن خواهیم داشت:

$$\phi(L, P) = 1 - \phi_1 L - \phi_2 L^2 - \dots - \alpha_P L^P \quad (4)$$

$$b_i(L, q_i) = b_{i0} + b_{i1}L + b_{i2}L^2 + \dots + b_{iq}L^q \quad i = 1, 2, \dots, k \quad (5)$$

L عملگر وقفه، w برداری از متغیرهای ثابت از قبیل جزء ثابت، متغیرهای دامی، روند زمانی یا متغیرهای برونزا با وقفه ثابت می‌باشد. نرم افزار ایویوز معادله فوق را برای کلیه حالت‌ها و برای تمامی ترتیبات ممکن مقادیر، یعنی به اندازه $(m+1)^{k+1}$ بار تخمین می‌زند. m بیشترین مقدار وقفه است که توسط محقق تعیین شده است و k نیز تعداد متغیرهای مستقل الگوی مورد بررسی می‌باشد.

در گام بعدی با استفاده از یکی از معیارهای اطلاعاتی مانند آکایک (AIC)^۱، شوارز-بیزین (SBC)^۲ یا حنان-کوین (HQC)^۳ یکی از روابط انتخاب خواهد شد. عموماً در نمونه‌های با مشاهدات کوچکتر از ۱۰۰ مشاهده برای آنکه درجه آزادی مدل کم نشود، از معیار شوارز-بیزین استفاده خواهد شد. برای اندازه‌گیری ضرایب بلندمدت الگو از همان الگوی پویا استفاده می‌شود. ضرایب بلندمدت مرتبط با متغیرهای x از این معادله به دست می‌آیند:

$$\theta_i = \frac{\hat{b}_i(1, q_i)}{1 - \hat{\phi}(1, P)} = \frac{\hat{b}_{i0} + \hat{b}_{i1} + \hat{b}_{i2} + \dots + \hat{b}_{iq}}{1 - \hat{\alpha}_1 - \hat{\alpha}_2 - \hat{\alpha}_3 - \dots - \hat{\alpha}_P} \quad (6)$$

حال جهت بررسی این که ارتباط بلندمدت حاصل از این رویکرد، جعلی نیست، دو رویکرد وجود دارد: در روش اول فرض زیر مورد آزمون قرار خواهد گرفت:

$$H_0: \sum_{i=1}^P \phi_i - 1 \geq 0$$

$$H_a: \sum_{i=1}^P \phi_i - 1 < 0 \quad (7)$$

فرض صفر نشانگر عدم وجود همجمعی یا رابطه بلندمدت می‌باشد، زیرا شرط آن که معادله پویای کوتاه‌مدت به سمت تعادل بلندمدت گرایش پیدا کند، آن است که مجموع ضرایب کمتر از ۱ باشد. برای اجرای آزمون مورد بررسی باید عدد ۱ از جمع کلیه ضرایب با وقفه متغیر وابسته کم شود و بر مجموع انحراف معیار ضرایب تقسیم شوند، تا عدد رابطه همجمعی یا f به دست آید:

¹Akaike

²Schwarz Bayesian

³Hannan - Quinn

$$t = \frac{\sum_{i=1}^P \hat{\phi}_i - 1}{\sum_{i=1}^P S_{\hat{\phi}_i}} \quad (۸)$$

در صورتی که قدر مطلق t به دست آمده از قدر مطلق مقدار بحرانی ارایه شده به وسیله بنرجی، دولادو و مستر^۱ بزرگتر شود، فرض صفر رد و وجود رابطه همجمعی پذیرفته می‌شود.

رویکرد دیگر جهت بررسی رابطه بلندمدت، آزمون کرانه‌های^۲ پسران، شین و اسمیث^۳ (۲۰۰۱) می‌باشد که از روش برآورد مدل تصحیح خطای غیر مقید^۴ (UECM) در برگزیده رابطه پویا و رابطه تعادلی بلندمدت استفاده می‌کند. در این رویکرد وجود رابطه همجمعی در بین متغیرها تحت بررسی، به وسیله محاسبه آماره F مربوط به معنی‌داری سطوح با وقفه متغیرها در شکل تصحیح خطا را آزمون می‌کند. باید توجه داشت که توزیع آماره F غیر استاندارد می‌باشد. از همین رو پسران و همکاران (۲۰۰۱)، مقدار بحرانی متناسب با تعداد متغیرهای مستقل الگو و این که الگو شامل عرض از مبدا و روند است یا خیر محاسبه کرده‌اند. آن‌ها دو گروه از مقادیر بحرانی را ارایه نمودند: یکی براین طبق این که تمام متغیرها ایستا و دیگری بر این طبق که همگی نایستا (با یک بار تفاضل گیری ایستا شوند) هستند. در صورتی که آماره F محاسبه شده در خارج از این محدوده قرار بگیرد، یک تصمیم قطعی بدون نیاز به دانستن اینکه متغیرها $I(0)$ یا $I(1)$ باشند، گرفته می‌شود. در این صورت اگر F محاسباتی بالاتر از محدوده بالایی قرار گیرد، فرض صفر مبتنی بر نبود وجود رابطه بلندمدت رد خواهد شد و اگر پایین‌تر از محدوده پایینی قرار گیرد، فرض صفر فوق رد نخواهد شد. در صورتی که F محاسبه شده در بین دو محدوده قرار گیرد، نتایج استنباط غیر قطعی و وابسته به این است که متغیرها $I(0)$ و $I(1)$ باشند. براساس شروط، باید بر روی متغیرها آزمون‌های ریشه واحد انجام شود.

از الگوی تصحیح خطای غیر مقید (UECM)، ضرایب بلندمدت با تقسیم ضرایب متغیرهای مستقل الگو وقفه سطح اول متغیرها بر ضریب وقفه سطح اول متغیر وابسته (با یک علامت منفی) محاسبه می‌شوند (باردسن^۵، ۱۹۸۹). در رویکرد خود توضیح برداری با وقفه‌های گسترده یا ARDL لازم نیست مانند رویکرد جوهانسن- جولیوس کلیه متغیرها $I(1)$ باشند بلکه متغیرها می‌توانند $I(0)$ و $I(1)$ نیز باشند (شیرستا و چودری^۶، ۲۰۰۵). وجود همجمعی بین مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی مبنای آماری استفاده از الگوهای تصحیح خطا (ECM) را فراهم می‌آورد. این الگوها نوسانات کوتاه‌مدت متغیرها را به مقادیر بلندمدت آن‌ها ارتباط می‌دهد و شامل دو مرحله است:

مرحله اول شامل برآورد یک رابطه بلندمدت و حصول اطمینان از کاذب نبودن آن می‌باشد. بنابراین باید رابطه همجمعی زیر برآورد شود:

$$Y_t = \beta_0 + \sum_{j=1}^n \beta_j X_{jt} + \varepsilon_t \quad (۹)$$

$$\varepsilon_t = Y_t - \beta_0 - \sum_{j=1}^n \beta_j X_{jt} \quad (۱۰)$$

در مرحله بعدی، وقفه پسماند رابطه بلندمدت، به عنوان ضریب تصحیح خطا یا ECM در نظر گرفته و برای مرتبط کردن دادن رفتار کوتاه مدت Y_t با مقدار تعادلی بلندمدت آن مورد استفاده قرار می‌گیرد و معادله زیر برآورد می‌شود.

$$\Delta Y_t = \alpha + \sum_{i=1}^m \beta_{i0} \Delta Y_{t-i} + \sum_{i=1}^n \beta_{i1} \Delta X_{1t} + \dots + \sum_{i=1}^r \beta_{in} \Delta X_{nt-i} + \lambda \varepsilon_{t-i} + v_t \quad (۱۱)$$

¹Benerjee, Dolado, and Mestre

²Bound Testing Approach

³Pesaran, shin and smith

⁴Unrestricted Error Correction Model

⁵Bardsen

⁶Shrestha and chowdhury

$0 < \lambda < 1$ در رابطه بالا ε_{t-1} جملات خطای تخمین رگرسیون رابطه بلندمدت با یک وقفه زمانی می‌باشد λ در معادله فوق ضریب تعدیل کوتاه‌مدت می‌باشد این ضریب بیان می‌کند که در هر دوره کوتاه‌مدت، چند درصد از انحراف از رابطه بلندمدت تصحیح خواهد شد و بین صفر و منفی یک در نوسان خواهد بود. زمانی که X_t و Y_t ، که هر دو همجمع از مرتبه یک $I(1)$ هستند، همجمع باشند، ε_t مربوط به رابطه جمعی از مرتبه صفر $I(0)$ یعنی ایستا خواهد بود. با توجه به این که $X\Delta_t$ و $Y\Delta_t$ هم ایستا هستند، متغیرهای مدل تصحیح خطا (ECM) همگی $I(0)$ هستند. در نتیجه می‌توان این مدل را بدون ترس از به دست آوردن رگرسیون جعلی به روش OLS برآورد کرد و از آماره‌های t و F در آزمون الگو استفاده نمود.

تخمین مدل

نخستین مسأله در برآورد الگوهای رگرسیونی به ویژه در داده‌های سری زمانی، بررسی و تجزیه و تحلیل مسأله ایستایی متغیرهای الگو می‌باشد. در جدول (۱) و (۲) یافته‌های مربوط به آزمون ریشه واحد دیکی فولر در سطح متغیرهای و تفاضل مرتبه اول آن‌ها ارائه شده است.

جدول ۱: نتایج آزمون ADF روی سطح متغیرها (در سطح)

نتیجه	احتمال	آماره آزمون	متغیر
ایستا	۰/۰۰۱۶	-۴/۴۴	GDP(رشد اقتصادی)
ایستا	۰/۰۳۴	-۳/۱۵	OILR(درآمدهای نفتی)
ناایستا	۰/۵۳	-۱/۴۶	TR(تجارت خارجی)
ناایستا	۰/۹۶	۰/۲۱۷	FORM(تشکیل سرمایه)
ناایستا	۰/۵۹	-۱/۳۳	FDI(سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی)
ایستا	۰/۰۰۱	-۴/۵۱	FIN(نوسعه مالی)
ناایستا	۰/۴۳	-۱/۶۶	GE(مخارج مصرفی دولت)
ایستا	۰/۰۰۱	-۵/۴۳	RISK(ریسک ژئوپلیتیک)
ایستا	۰/۰۳	-۳/۴۸	RISK(ریسک ژئوپلیتیک در درآمد نفتی)

منبع: نتایج پژوهش

نتایج جدول (۲) نشان می‌دهد که قدر مطلق آماره آزمون محاسباتی ADF برای کلیه متغیرهای تحقیق به جز متغیرهای تجارت خارجی (TR)، تشکیل سرمایه (FORM)، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و مخارج مصرفی دولت (GE) از مقادیر بحرانی بیشتر بوده و این متغیرها ایستا هستند. نتایج آزمون ریشه واحد برای متغیرهای غیر ایستا شامل متغیرهای تجارت خارجی (TR)، تشکیل سرمایه (FORM)، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و مخارج مصرفی دولت (GE) در جدول (۲) ارائه شده و نشان می‌دهد که قدر مطلق آماره آزمون محاسباتی ADF برای تفاضل اول همه این متغیرها از مقادیر بحرانی بیشتر شده است. بنابراین، این متغیرها با یک بار تفاضل‌گیری ساکن شده‌اند.

جدول ۲: نتایج آزمون ADF روی سطح متغیرها (در تفاضل اول)

نتیجه	احتمال	آماره آزمون	متغیر
ایستا	۰/۰۰	-۴/۷۲	TR(تجارت خارجی)
ایستا	۰/۰۰	-۷/۰۹	FORM(تشکیل سرمایه)
ایستا	۰/۰۰۱۷	-۴/۴۵	FDI(سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی)
ایستا	۰/۰۰۱	-۴/۶۲	GE(مخارج مصرفی دولت)

منبع: نتایج تحقیق

از آنجایی که همه متغیرهای مدل $I(1)$ نیستند، نمی‌توان از روش یوهانسن - جوسیلیوس استفاده نمود. از سوی دیگر همان‌گونه که ماه^۱ (۲۰۰۰) بیان کرده است، رویکردهای همجمعی انگل گرنجر (۱۹۸۷) و یوهانسن - جوسیلیوس (۱۹۹۰) در

^۱Mah

مشاهدات دارای حجم کم، قابلیت اتکا ندارند. در چنین وضعیتی که متغیرها $I(0)$ و $I(1)$ هستند، بهترین روش، رویکرد الگوی خود توضیح برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL) است. در این مرحله باید قبل از برآورد رابطه بلندمدت برای پیش‌گیری از رگرسیون کاذب آزمون همجمعی انجام شود. نتایج آزمون F برای وجود همجمعی در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون F برای وجود رابطه همجمعی

آماره F	در سطح ۹۵ درصد		در سطح ۹۰ درصد	
	$I(0)$	$I(1)$	$I(0)$	$I(1)$
۷/۴۴	۴/۱۸	۳/۱۵	۲/۳۷	۳/۲

منبع: نتایج تحقیق

برای اطمینان از وجود رابطه همجمعی یا هم‌انباشتگی باید قید زیر اعمال شود:

$$H_0: \varphi_1 = \varphi_2 = \varphi_3 = 0$$

مقدار آماره F برای آزمون همجمعی پس از اعمال قید بالا بر مدل برابر با ۷/۴۴ شده است. همان‌طور که نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد، آماره F برآوردی از کران بالا و کران پایین مقادیر بحرانی در سطح ۵ درصد خطا که در بازه ۲/۳۷-۳/۲۸ قرار گرفته است، بیشتر شده است. بنابراین وجود رابطه همجمعی تأیید می‌شود. در ادامه نتایج رابطه کوتاه‌مدت ارائه شده است:

جدول ۴: نتایج رابطه کوتاه‌مدت یا پویا

متغیر	ضریب	t آماره
GDP(-1)	۰/۳۳۶	۱/۷۷
FDI	۰/۳۵۵	۱/۸۴
FIN	۰/۵۸۲	-۱/۹۰
FIN(-1)	-۰/۵۵۴	-۲/۱۵
FORM	-۱/۲۹	-۱/۶۶
RISK	-۰/۳۳۴	۱/۳۷
RISKOIL	۰/۰۸۱۴	۱/۵۰
OILR	۰/۱۸۴	۲/۵۰
OILR(-1)	-۰/۵۰۱	-۳/۵۵
GE	۰/۱۹۹	۰/۷۴
GE(-1)	۰/۴۳۶	۱/۹۷
TR	-۰/۲۹۴	-۰/۹۵
TR(-1)	۰/۶۷۵	۲/۳۴
C	۵۸/۹۴	۲/۱۱
$R^2=۰/۸۹$ F(Prob)=(۰/۰۰)		
DW=۲/۰۳		
A: Serial correlation	F=۱/۱۴ (۰/۱۴۵)	
B= functional form	F=۰/۹۷۵ (۰/۲۰۸)	
C: Normality	$\chi^2=۱/۳۴$ (۰/۱۲۷)	
D: Heteroscedasticity	F=۱/۴۳ (۰/۱۱۶)	

منبع: نتایج تحقیق

مقدار مربوط به R^2 یا قدرت توضیح دهنده مدلی براساس نتایج جدول فوق، برابر با ۰/۷۴ درصد بوده است. به بیانی دیگر ۷۴ درصد از تغییرات نرخ رشد اقتصادی در عراق، توسط متغیرهای مستقل مدل پژوهش و مابقی توسط بقیه متغیرهای موثر بر رشد اقتصادی که وارد مدل نشده‌اند، توضیح داده می‌شوند. همچنین آماره F در سطح ۹۹ درصد معنادار بوده است که بیانگر معنی‌دار بودن کل رگرسیون برآوردی است. براساس نتایج مربوط به فروض کلاسیک، و احتمال مربوط به آزمون ARCH، مدل ناهمسانی واریانس ندارد. از سوی دیگر نیز، مدل دچار خودهمبستگی نیز نیست. براساس سایر نتایج، آماره آزمون JB نشان می‌دهد که توزیع جملات خطا نرمال است، زیرا فرض صفر آزمون که بیانگر نرمال بودن توزیع جملات خطا است، رد نشده است. بنابراین این موضوع نیز نشان می‌دهد مدل مشکل تورش تصریح ندارد. در جدول (۵) نتایج مربوط به برآورد ضرایب بلندمدت ارائه شده است.

جدول ۵: نتایج رابطه بلندمدت

متغیر	ضریب	آماره t
(OILR) درآمدهای نفتی	۰/۵۶۶	۲/۵۷
(TR) تجارت خارجی	۰/۶۷۰	۱/۱۵
(FORM) تشکیل سرمایه	۰/۳۴۲	۱/۹۳
(FDI) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۰/۷۳۶	۲/۱۶
(FIN) توسعه مالی	۰/۱۲۹	۳/۳۴
(GE) مخارج مصرفی دولت	۰/۱۲۲	۱/۷۶
(RISK) ریسک ژئوپلیتیک	-۰/۸۵۲	-۲/۱۰
(RISKOILR) ریسک ژئوپلیتیک در درآمد نفتی	۰/۱۳۸	۲/۲۵
C	۰/۱۸۶	۵/۰۰۸

منبع: نتایج تحقیق

براساس نتایج برآوردی، علامت ضریب متغیر برآوردی درآمدهای نفتی در جدول (۵) برابر با ۰/۵۶۶ و میزان آماره T برآوردی نیز ۲/۵۷ بوده است. با توجه به معنی‌داری این آماره، می‌توان بیان کرد که درآمدهای نفتی تأثیری مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی عراق داشته است. تأثیر درآمد نفتی بر رشد اقتصادی عراق می‌تواند اثرات مثبت و متنوعی داشته باشد. افزایش درآمدهای دولت، رشد بخش صنعتی، تقویت بخش خدماتی و مسکن برخی از کانال‌های اثرگذاری مثبت درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی عراق هستند. نتایج این بخش با نتایج مطالعات مهرآرا (۱۳۹۳)، اسدی مهماندوستی و همکاران (۱۳۹۹)، ولیهی و همکاران (۱۴۰۱)، فتحی و همکاران (۱۴۰۲) و مولایی و همکاران (۱۴۰۲) در ایران و مطالعات اولیونگبو (۲۰۱۹)، اومدرو (۲۰۱۹)، و النیل و المولهیم (۲۰۲۲) در خارج از ایران مطابقت و هم‌خوانی داشته است. این نکته حائز اهمیت است که در حالی که درآمدهای نفتی می‌تواند اثرات مثبتی بر رشد اقتصادی داشته باشد، چالش‌های مرتبط با اقتصاد وابسته به نفت نیز وجود دارد، بنابراین، برای عراق بسیار مهم است که از درآمدهای نفتی خود به طور موثر استفاده کند و سیاست‌های اقتصادی و حکمرانی صحیح را برای تضمین رشد پایدار و فراگیر اجرا کند.

براساس نتایج برآوردی، علامت ضریب متغیر برآوردی برای ریسک ژئوپلیتیک در جدول (۵) برابر با ۰/۸۵۲ بوده است که با توجه به معنی‌داری آن می‌توان بیان کرد که ریسک ژئوپلیتیک تأثیری منفی و معنادار بر رشد اقتصادی عراق در سطح ۹۵ درصد اطمینان داشته است. در نتیجه می‌توان بیان کرد که ریسک‌های ژئوپلیتیکی می‌توانند تأثیراتی منفی بر رشد اقتصادی داشته باشند. ناپایداری سیاسی ناشی از تنش‌ها که می‌تواند باعث کاهش سرمایه‌گذاری‌ها، کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران و کاهش تولید و رشد اقتصادی شوند، جنگ و تعارضات نظامی، تحریم‌های بین‌المللی تغییرات قوانین و مقررات، عدم پایداری منابع طبیعی و ناپایداری ارزی از جمله این عوامل هستند. نتایج این بخش با نتایج مطالعات بلربی و همکاران (۲۰۱۵)، اولیونگبو (۲۰۱۹)، اومدرو (۲۰۱۹)، بادیب و همکاران (۲۰۲۱) و النیل و المولهیم (۲۰۲۲) مطابقت و هم‌خوانی داشته است. برای کاهش اثرات منفی خطرات ژئوپلیتیکی، برای عراق بسیار مهم است که تلاش‌های صلح‌سازی، ارتقای ثبات، تقویت نهادها

و تنوع بخشیدن به اقتصاد خود را در اولویت قرار دهد. عراق می‌تواند با پرداختن به علل ریشه ای خطرات ژئوپلیتیکی و اجرای راهبردهای موثر حل مناقشه، محیطی مساعد برای رشد اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری و تضمین ثبات و رفاه بلندمدت ایجاد کند.

نتایج برآوردی، ضریب برآوردی برای متغیر ترکیبی ریسک ژئوپلیتیک در درآمد نفتی (RISKOILR) را برابر با ۰/۱۳۸ نشان می‌دهد. به بیانی دیگر ریسک ژئوپلیتیک تاثیر درآمدهای نفتی را از ۰/۵۶۶ به ۰/۱۳۸ کاهش داده و آن را تعدیل نموده است. نتایج این بخش با نتایج مطالعات بلربی و همکاران (۲۰۱۵)، اوالیونگیو (۲۰۱۹)، اومدرو (۲۰۱۹)، بادیب و همکاران (۲۰۲۱) و النیل و المولهیم (۲۰۲۲) مطابقت و هم‌خوانی داشته است. بنابراین، برای کاهش اثرات تعدیل‌کننده و کاهش‌دهنده ریسک ژئوپلیتیکی بر رابطه بین درآمد نفت و رشد اقتصادی، برای عراق ضروری است که استراتژی‌هایی را دنبال کند که ثبات، متنوع‌سازی اقتصاد و تقویت نهادها را افزایش دهد. این شامل سرمایه‌گذاری در انعطاف‌پذیری زیرساخت‌ها، تقویت ثبات سیاسی، اجرای سیاست‌های اقتصادی صحیح و جذب منابع متنوع سرمایه‌گذاری می‌باشد. با کاهش خطرات ژئوپلیتیکی و ایجاد یک محیط تجاری مطلوب، عراق می‌تواند تأثیر مثبت درآمد نفت را بر رشد اقتصادی به حداکثر برساند و توسعه پایدار بلندمدت را تقویت کند.

بنابراین، در مجموع می‌توان گفت، تاثیرگذاری درآمد نفتی بر رشد اقتصادی کشورها ممکن است تحت تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی قرار گیرد. برخی از این عوامل ممکن است به عنوان تعدیل‌گرها (محافظه کار) عمل کنند و تاثیرات مثبت درآمد نفتی را تقویت کنند، در حالی که دیگر عوامل می‌توانند به عنوان کاهش‌دهنده‌ها (خطرزا) عمل کنند و تاثیرات منفی را تشدید کنند. ریسک ژئوپلیتیک تا حدی می‌تواند ناپایداری سیاسی را به ویژه در عراق افزایش دهد. وجود ناپایداری سیاسی در کشور می‌تواند به عنوان یک تعدیلگر مؤثر عمل کند. این ناپایداری می‌تواند منجر به نوسانات سیاسی، تغییرات ناگهانی در سیاست‌های اقتصادی و عدم رعایت قوانین و مقررات کمک کند. همچنین ناپایداری سیاسی، میزان سرمایه‌گذاری و اعتماد سرمایه‌گذاران در بخش نفتی و بخش‌های مرتبط را کاهش می‌دهد و باعث کاهش اثرات مثبت درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی می‌شود. وابستگی زیاد به درآمد نفتی می‌تواند توسط تغییرات ناگهانی در قیمت نفت و نوسانات بازارهای جهانی تشدید شود. این وابستگی می‌تواند باعث کاهش تنوع اقتصادی، کاهش سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌های اقتصادی و ایجاد ناپایداری مالی و اقتصادی شود. تحریم‌های بین‌المللی و محدودیت‌های صادراتی می‌توانند تاثیرات منفی را بر رشد اقتصادی کشورهای وابسته به درآمد نفتی افزایش دهند. این تحریم‌ها می‌توانند باعث کاهش قابلیت دسترسی به بازارهای جهانی، کاهش درآمدهای صادراتی و کاهش سرمایه‌گذاری خارجی شوند. به طور کلی، تأثیرگذاری درآمد نفتی بر رشد اقتصادی تحت تأثیر تعدیلگرها و کاهش‌دهنده‌های ژئوپلیتیکی قرار می‌گیرد. پیش بینی اثرات این عوامل بر رشد اقتصادی یک کشور بسیار پیچیده است و بسته به شرایط سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی هر کشور می‌تواند متفاوت باشد که در مطالعه حاضر ریسک ژئوپلیتیک اثرات درآمدهای نفتی بر رشد را به مقداری زیاد کاهش داده است.

پس از اطمینان از وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای اقتصادی، می‌توان از الگوهای تصحیح خطا (ECM) استفاده کرد. این الگوها بین نوسانات کوتاه‌مدت متغیرها و مقادیر تعادلی بلندمدت آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنند. با استفاده از این الگوها نیروهای موثر در کوتاه‌مدت و سرعت نزدیک شدن به بلندمدت اندازه‌گیری می‌شود. ضریب جمله ECM نشان می‌دهد که در هر دوره، چند درصد از عدم تعادل کوتاه‌مدت رشد تولید ناخالص داخلی عراق برای رسیدن به تعادل بلندمدت تعدیل می‌شود؛ به عبارت دیگر، این ضریب نشان می‌دهد که چند دوره طول می‌کشد تا رشد تولید ناخالص داخلی، به روند بلندمدت خود بازگردد. جدول (۶) نتایج حاصل از تخمین مدل تصحیح خطا را نشان می‌دهد.

جدول ۶: نتایج حاصل از معادله تصحیح خطا

متغیر	ضریب	آماره t
ECM(-1)	-۰/۴۸۹	-۲/۰۸
$F=۲۶ (۰/۰۰)$		$R^2=۰/۸۲$

منبع: نتایج تحقیق

بر اساس نتایج جدول (۶) ضریب تصحیح خطا ۰/۴۸۹- شده است که نشان می‌دهد در صورت وارد شدن یک شوک به رشد اقتصادی، تقریباً ۲ سال زمان نیاز است تا شوک جذب و رشد اقتصادی به روند بلندمدت خود بازگردد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

بر اساس نتایج بدست آمده، با سرمایه‌گذاری در بخش‌های فراتر از صنعت نفت، و کاهش وابستگی به نفت، کشورها می‌توانند تاب‌آوری خود را در برابر نوسانات قیمت نفت افزایش دهند و رشد اقتصادی پایدار را تقویت کنند. همچنین، با تقویت پیوند بین صنعت نفت و سایر بخش‌های اقتصاد، بخش‌های بیشتری می‌توانند از درآمدهای نفتی بهره‌مند شوند. برای مدیریت موثر درآمدهای نفتی به جهت اجتناب از هزینه‌های اضافی و سرمایه‌گذاری درآمدهای نفتی پیشنهاد می‌شود تا در بخش‌های حیاتی مانند آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، زیرساخت‌ها و تحقیق و توسعه، سیاست‌های مالی صحیح و برنامه ریزی بلند مدت اجرا گردد. صندوق‌های ثروت دولتی می‌توانند به حفظ و رشد ثروت برای نسل‌های آینده کمک کنند. از این‌رو، حکمرانی صحیح و شفافیت در مدیریت این صندوق‌ها برای جلوگیری از سوء استفاده و فساد ضروری می‌باشد. بهبود زیرساخت‌های حیاتی مانند توسعه شبکه‌های حمل و نقل، تامین برق و مخابرات، فعالیت‌های تجاری در بخش‌های غیر نفتی را تسهیل می‌کند. به طوریکه با جذب سرمایه‌گذاری‌ها، رشد اقتصادی را تحریک کرده و فرصت‌های شغلی خارج از صنعت نفت را ایجاد می‌کند. اجرای چارچوب‌های قانونی و نظارتی قوی، ارتقای پاسخگویی، و ایجاد مکانیسم‌های نظارتی موثر نیز می‌تواند به جلوگیری از سوء مدیریت و تضمین توزیع عادلانه ثروت نفت کمک کند. همچنین، شیوه‌های حکمرانی خوب باعث تقویت اعتماد سرمایه‌گذاران، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ترویج رشد اقتصادی پایدار می‌شود. همکاری با سازمان‌های بین‌المللی، سایر کشورهای تولیدکننده نفت و آژانس‌های توسعه برای به اشتراک گذاشتن بهترین شیوه‌ها، جذب سرمایه‌گذاری و دسترسی به کمک‌های فنی در زمینه‌هایی مانند تنوع اقتصادی، حکومتمداری و توسعه پایدار، تشویق به پذیرش فناوری‌ها و شیوه‌های پیشرفته در اکتشاف، تولید و پالایش نفت از دیگر پیشنهاداتی است که می‌توان برای بهبود اثرات درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی و کاهش اثرات منفی آن ارائه نمود.

در زمینه ریسک ژئوپلیتیک نیز کاهش وابستگی به یک بازار واحد با تنوع بخشیدن به مقاصد صادرات نفت، مشارکت در دیپلماسی انرژی برای تقویت روابط سازنده با کشورهای واردکننده و صادرکننده نفت، حفظ ذخایر استراتژیک نفت، افزایش امنیت زیرساخت‌های نفتی، ایجاد سیستم‌های اطلاعاتی قوی و هشدار اولیه برای ارزیابی و نظارت بر خطرات ژئوپلیتیکی، تقویت همکاری و یکپارچگی منطقه‌ای برای افزایش ثبات و کاهش خطرات ژئوپلیتیکی، راهبردهایی است که برای کاهش یا بهبود اثرات آن بر رشد اقتصادی از طریق درآمدهای نفتی ارائه شده می‌شود. به عبارت دیگر، کاهش اثرات ریسک ژئوپلیتیکی بر درآمدهای نفتی و رشد اقتصادی مستلزم ترکیبی از برنامه ریزی استراتژیک، مدیریت ریسک و تلاش‌های دیپلماتیک می‌باشد. با اجرای این راهبردها، کشورها می‌توانند اثرات مخاطرات ژئوپلیتیکی بر درآمدهای نفتی و رشد اقتصادی را کاهش داده و ثبات، تنوع و انعطاف پذیری را در مواجهه با چالش‌های ژئوپلیتیکی افزایش دهند.

منابع و مأخذ

فتحی، سروالدین، نونزاد، مسعود، زارع، هاشم، حقیقت، علی (۱۴۰۲) بررسی آثار نامتقارن شوک‌های قیمت نفت و تلاطم باز بودن تجاری بر رشد اقتصادی و تورم در کشورهای منتخب عضو کنفرانس اسلامی، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی،

۱۹(۷۸): ۱۰۳-۱۲۹. <https://iiesj.ir/article-1491-fa.html-1>

مولایی، سید جعفر، موسوی، سید نعمت الهه، امینی فر، عباس (۱۴۰۲) درآمدهای نفتی و رشد اقتصادی با تأکید بر بازارهای مالی داخلی، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، ۱۹(۷۷): ۹۷-۱۳۲.

<https://iiesj.ir/article-1548-1-fa.html>

مهماندوستی، الهه اسدی، بزازان، فاطمه و موسوی، میرحسین (۱۳۹۹) تأثیر گذاری انواع تخصیص درآمد منابع تجدید ناپذیر نفت بر رشد اقتصادی ایران، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، ۱۶(۶۴): ۶۵-۹۵.

<http://iiesj.ir/article-1-1126-fa.html>

ولیعی، آزاده، موسوی، سید نعمت اله، امینی فر، عباس (۱۴۰۱)، وابستگی به نفت، کیفیت نهادی و رشد اقتصادی: رویکرد خودرگرسیون برداری پانلی، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، ۱۸(۷۲): ۸۷-۵۹.

<https://iiesj.ir/article-1446-1-fa.html>

هاشمی دیزج، عبدالرحیم، حسن زاده، محمد و میثم جواد، محمد صادق. (۱۴۰۴). بررسی تاثیر سرمایه انسانی بر توسعه اقتصادی کشور عراق. فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه ای، ۶(۳)، ۱۸۶-۱۹۸.

https://www.srds.ir/article_217441.html

هاشمی دیزج، عبدالرحیم، حسن زاده، محمد و عبدالواحد بریج، مجتبی. (۱۴۰۴). تاثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات و شاخص رقابت پذیری جهانی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب. فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه ای، ۶(۱)

https://www.srds.ir/article_212957.html ۲۸۳-۲۹۶.

Abdelsalam M.A.M. (2020). Oil price fluctuations and economic growth: the case of MENA countries. *Review of Economics and Political Science*. 2020. DOI: [10.1108/REPS-12-2019-0162](https://doi.org/10.1108/REPS-12-2019-0162)

Acemoglu, D., Johnson, S., & Robinson, J. A. (2021). The colonial origins of comparative development: An empirical investigation. *The American Economic Review*, 91(5), 1369-1401. <https://www.aeaweb.org/articles?id=10.1257/aer.91.5.1369>

Ahmad N., Du L. (2017). Effects of energy production and CO2 emissions on economic growth in Iran: ARDL approach. *Energy*. 2017;123:521-537. <https://doi.org/10.1016/j.energy.2017.01.144>

Akinsola M.O., Odhiambo N.M. (2020). Asymmetric effect of oil price on economic growth: panel analysis of low-income oil-importing countries. *Energy Rep*. 2020;6:1057-1066. <https://doi.org/10.1016/j.egy.2020.04.023>

Al-Khazaleh, Suhaib & Zoghlami, Feten & Jwair, Alaa. (2024). Using the ARDL Approach, Measure the Impact of Global Oil Price Fluctuations on Foreign Reserves. *Cuadernos de Economía*. 47(133):153-165. DOI: [10.32826/cude.v47i133.1315](https://doi.org/10.32826/cude.v47i133.1315)

Al-mulali, Chermoree, C. (2010). "The Impact of oil shocks on Qatar's GDP," MPRA Paper 27822, University Library of Munich, Germany, Revised 31 Dec. https://mpra.ub.uni-muenchen.de/1/27822/MPRA_paper_27822.pdf

Asaad, Z. A. (2021). Oil Price, Gold Price, Exchange Rate and Stock Market in Iraq Pre-During COVID19 Outbreak: An ARDL Approach. *International Journal of Energy Economics and Policy*, 11(5), 562-571. <https://www.econjournals.com/index.php/ijeep/article/view/11552>

Awartani B., Aktham M., Cherif G. (2016). The connectedness between crude oil and financial markets: evidence from implied volatility indices. *Journal of Commodity Markets*. 4(1):56-69. <https://doi.org/10.1016/j.jcomm.2016.11.002>

Badeeb, R., A., Kenneth, R., Szulczyk, H., and Hooi, L. (2021). Asymmetries in the effect of oil rent shocks on economic growth: A sectoral analysis from the perspective of the oil curse, *Resources Policy* 74(2):102-119. <https://doi.org/10.1016/j.resourpol.2021.102326>

Belarbi, Y.; Souam, S; Sami, L. (2015). The Effects of Institutions and Natural Resources in Heterogeneous Growth Regimes, *Journal of Economic Policy*, 17(2): 189-205. <https://ideas.repec.org/a/taf/rmdjxx/v8y2016i2p248-265.html>

Bibi A., Zhang X., Umar M. (2021). The imperativeness of biomass energy consumption to the environmental sustainability of the United States revisited. *Environ. Ecol. Stat.* 2021 doi: [10.1007/s10651-021-00500-9](https://doi.org/10.1007/s10651-021-00500-9).

Bildirici M., Guler Bayazit N., Ucan Y. (2020). Analyzing crude oil prices under the impact of covid-19 by using Istargarchlstm. *Energies*.;13(11):2980. <https://doi.org/10.3390/en13112980>

- Bouri E., Demirer R., Gupta R., Pierdzioch C. (2020). Infectious diseases, market uncertainty and oil market volatility. *Energies*. 2020;13:4090. <http://hdl.handle.net/2263/76479>
- Caldara D, Iacoviello M. (2022). Measuring geopolitical risk. *American Economic Review* 2022; 112(4): 1194–225. <https://doi.org/10.1257/aer.20191823>
- Carney, Richard W. and El Ghouli, Sadok and Guedhami, Omrane and Wang, He, (2023) Geopolitical Risk and the Cost of Capital in Emerging Economies, <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4627125>
- Das S. (2021). The time–frequency relationship between oil price, stock returns and exchange rate. *Journal of Business Cycle Research*. 2021:1–21. DOI: [10.1007/s41549-021-00057-3](https://doi.org/10.1007/s41549-021-00057-3)
- Demir, E., Gozgor, G., & Paramati, S.R. (2019). Do Geopolitical Risks Matter for Inbound Tourism? *Eurasian Business Review*, 9(2), 183–191. DOI: [10.1007/s40821-019-00118-9](https://doi.org/10.1007/s40821-019-00118-9)
- Elneel, F., A., and AlMulhim, A., F. (2022). The Effect of Oil Price Shocks on Saudi Arabia's Economic Growth in the Light of Vision 2030 "A Combination of VECM and ARDL Models". *Journal of the Knowledge Economy*, 13(1): 1-23. DOI: [10.1007/s13132-021-00841-7](https://doi.org/10.1007/s13132-021-00841-7)
- Li B, Chang CP, Chu Y, Sui B. (2020). Oil prices and geopolitical risks: what implications are offered via multi-domain investigations? *Energy Environ* 2020;31(3):492–516. <https://doi.org/10.1177/0958305X19876092>
- Lu, Z., Gozgor, G., Huang, M., & Lau, C. K. M. (2020). The Impact of Geopolitical Risks on Financial Development: Evidence from Emerging Markets. *Journal of Competitiveness*, 12(1), 93–107. <https://doi.org/10.7441/joc.2020.01.06>
- Mahmood, Sawsan. (2022). Using the (NARDL) model to measure the impact of crude oil price fluctuations on public spending in Iraq for the period (1970-2021). <https://globalresearchnetwork.us/index.php/ajebm/article/view/1247>
- Manuel, M; María R.R, Luis Alberiko G-A. (2023). The impact of geopolitical risk on the behavior of oil prices and freight rates, *Energy Policy*, Volume 269 (3): 356-378. DOI: [10.1016/j.energy.2023.126779](https://doi.org/10.1016/j.energy.2023.126779)
- Olayungbo, D.O., & Olayemi, O.F. (2018). Dynamic relationships among non-oil revenue, government spending and economic growth in an oil producing country: Evidence from Nigeria. *Future Business Journal*, 22(4): 246-260. <https://doi.org/10.1016/j.fbj.2018.07.002>
- Omodero, C.O. (2019). A Relative Assessment of the Contributions of Agriculture. Oil and Non-Oil Tax Revenues to Nigeria's Economic Expansion. *Annals of Spiru Haret University. Economic Series*, 19(2), 139-151. DOI: [10.26458/1927](https://doi.org/10.26458/1927)
- Ross, M. L. (2020). *The oil curse: How petroleum wealth shapes the development of nations*. Princeton University Press. www.carnegiecouncil.org
- Salisu, A. A., Ogbonna, A. E., Lasisi, L., & Olaniran, A. (2022). Geopolitical risk and stock market volatility in emerging markets: A GARCH–MIDAS approach. *The North American Journal of Economics & Finance*, 62, 101.117. DOI: [10.1016/j.najef.2022.101755](https://doi.org/10.1016/j.najef.2022.101755)
- Sweidan, O; Elbargathi, K. (2022). The effect of oil rent on economic development in Saudi Arabia: Comparing the role of globalization and the international geopolitical risk," *Resources Policy*, Elsevier, vol. 75(C). DOI: [10.1016/j.resourpol.2021.102469](https://doi.org/10.1016/j.resourpol.2021.102469)
- Uddin GS, Bekiros S, Ahmed A. (2021). The nexus between geopolitical uncertainty and crude oil markets: an entropy-based wavelet analysis. *Phys Stat Mech Appl*; 495:30–9. DOI: [10.1016/j.physa.2017.12.025](https://doi.org/10.1016/j.physa.2017.12.025)